

### مقدمه

همانطور که در هر شهر و کشوری، زبان و فرهنگ و عقاید متفاوتی وجود دارد، طبیعتاً مراسم فوت نیز کاملاً متفاوت اند. اما گاهی انبوهی از خرافات یا اشتباهات، همانطور که در آداب دینی وارد میشوند، در رسوم خاکسپاری نیز رسوخ میکنند. هدف از این مقاله فراهم آوردن بستریست جهت تفکر مجدد با مقایسه رسوم خاکسپاری غرب، با ایران.

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا

### رسوم عمومی خاکسپاری در غرب

صرف نظر از اینکه فرد در بیمارستان فوت شود یا منزل، یک یا دو نفر از نزدیکان که فرد تازه فوت کرده با آنها مانوس است (همسر یا فرزند یا خواهر یا برادر) آماده سازی اولیه جسم و روح متوفی را انجام میدهند.

ابتدا چشمان او را میبندند، بینی و دهان را با پارچه ای بصورت اجمالی تمیز میکنند. سپس با اسفنج خیس یا دستمال مرطوب کل بدن را تمیز میکنند و لباس مناسب خاکسپاری تنش میکنند (از لباسهای خودش - شامل لباس زیر، شلوار یا دامن، پیراهن یا هر لباس مجلسی یا راحتی). در صورت لزوم صورتش را اصلاح میکنند، موهایش را شانه میکنند یا با کش و کلیپس موهای زنانه را مدل میدهند، لاک میزنند، آرایش میکنند و غیره. در تمام مدت انجام این کارها، مانند سابق، او را با اسمش صدا میزنند و با مهربانی برایش توضیح میدهند که چکار دارند میکنند. معمولاً بالشتک کوچکی زیر چانه اش میگذارند تا دهانش بسته بماند و سرش صاف قرار گیرد. سپس بازوها را آرام دو طرف بدن قرار میدهند و دستها را ضربدری روی سینه میگذارند تا همانطور شکل گیرد و در خلال جابجایی آویزان نماند.

سپس به آمبولانس تماس میگیرند، یا اگر در بیمارستان است با مرده موقتاً خداحافظی میکنند تا منتقل شود به بخش سردخانه. تا اینجا رسیدگی به مرده تمام میشود و نوبت به رسیدگی به بازماندگان میرسد.

به آشنایان نزدیک اطلاع رسانی میشود، ایشان به منزل فرد فوت شده میروند، جهت تسلیت و تسکین خاطر (بخش موسیقی ملایم و آرامبخش در صورت لزوم؛ هر کس برای خودش انجیل میخواند اگر مسیحی باشد، جهت آرامش خودش و سپس انتقال آن آرامش به بازماندگان و فرد فوت شده)

در این میان اگر مسیحی باشند، هماهنگی با کلیسای مورد نظر انجام میشود جهت تاریخ اجتماع مردم، قبل از حمل جنازه به قبرستان. در غیر اینصورت، مستقیماً مرده را از سردخانه به قبرستان میبرند.

قبل از آن، اعلامیه فوت (شامل تاریخ و محل خاکسپاری) در شبکه های اجتماعی برای نزدیکان ارسال میگردد (مثلا در اینستاگرام، تلگرام)

در قبرستان، تابوت در کنار محل دفن قرار میگیرد. نزدیکان حضور پیدا میکنند، گاه دعایی میخوانند و همسر یا فرزندان سخنرانی کوتاهی به عنوان ذکر خوبیها و دلتنگیها و خداحافظی نهایی ایراد میکنند و برایش آرزوی موفقیت در مسیر پیش رو میکنند، تا زمانی که آنها نیز طبیعتا در آینده به او بپیوندند. اگر مسیحی باشند، آن آیه تلاوت میشود که همه از خاکیم و به خاک بر میگرددیم.

کنار قبر معمولا یک فرش یا تعدادی صندلیست، شاخه های گل و یک ضبط صوت که آهنگ مخصوص و ملایم خاکسپاری را پخش میکند (همان آهنگی که افراد با شنیدنش متوجه میشوند فردی فوت شده)

مراحل خاکسپاری بدون طولانی کردن بیدلیل زمان (مثلا با پخش آیات انجیل!) پایان می یابد. در زمان کوتاهی همگی خداحافظی میکنند و قبرستان را ترک میکنند به مقصد یک رستوران یا محل سکونت مرحوم جهت صرف غذا.

پس از آن، عموم خداحافظی میکنند و به دنبال مسیر خود میروند، بجز افراد نزدیک تر به بازماندگان که معمولا چند ساعتی را به منزل ایشان میروند و میمانند، (دعا میخوانند، عود روشن میکنند، موسیقی میگذارند...) تا آرامش نسبی به محیط خانه برگردد، و به قولی با تجمع انرژی های مثبت، محیط خانه هر چه سریعتر از انرژی های منفی و غم و اندوه خالی گردد، پاکسازی شده و آماده ادامه حیات جهت بازماندگان باشد.

و تمام.

از آن پس، اگر هرکس در هر زمان مایل بود، طبیعتا سری به بازماندگان میزند، یا آنها را به منزل خود یا بیرون دعوت میکند، تا به مرور زمان شرایط عادی شود.

## رسوم عمومی خاکسپاری در ایران

طبیعتا لزومی به شرح جزئیات آن نیست، همه ما با آن آشناییم. صرفا سر فصل اهم تفاوت ها به شرح زیر است:

- هرچقدر نزدیکان بیشتر گریه کنند و غش کنند و جیغ بزنند، یعنی ارزش مرده بیشتر بوده. اگر کسی آرام باشد و لبخند بزند، تا آرامش خود را به بازماندگان یا فرد فوت شده انتقال دهد، یا بی احترامی محسوب میشود، یا بی احساسی، یا برچسب میخورد که مگر "شلغم خاک کردی!"
- هرچقدر تعداد و عظمت تاج گلها و اعلامیه های مشکی درب منزل بیشتر باشد، ارزش مرده بیشتر است.

- هرچقدر انبوه مردم در دارالرحمه بیشتر باشد و حسین حسین بیشتر بگویند، ارزش مرده بیشتر است.
- بانگ قرآن (با تلاوت غلیظ عربی زبانان، که فهم آن برای ۹۵٪ فارسی زبانان ناممکن است) از اول فوت تا آخر مراسم پخش می‌گردد، تا فرد فوت شده بیشتر بخشوده شود (و دامن میزنییم به معرفی قرآن به عنوان "کتاب مرگ" و ثبت صوت آن به عنوان صوتی دلخراش در عمق جان و روح خود و اطرافیان).
- مراسم اول و سوم و هفتم و سیم و چهلم و سرسال.... هر چه بیشتر، ارزش مرده برای بازماندگان بیشتر.
- حتما باید حداقل یکبار مراسم در مسجد گرفته شود، وگرنه؟! حتما باید یک روحانی که هیچ آشنایی با فرد فوت شده ندارد، حرفهایی در خصوص او بزند، و حتما باید مجلس را تمام کند با یک سخنرانی سوزناک و سینه زنی(!) با هدف ایجاد "غم و گریه" بیشتر، بجای ایجاد "آرامش" با بیان حقایق قرآن.
- مرده توسط مرده شور ناشناس شستشو میشود، و عریان در کفن سفید قرار میگیرد، بجای شستشو توسط نزدیکان با ملایمت و پوشاندن لباس راحتی یا مجلسی، قبل از گذاشتن در کفن سفید.
- پوشیدن مشکی تا مدتها، نزدن ریش تا مدتها، آرایش نکردن تا مدتها.... همگی یعنی ارزش برای مرده.
- بصورت خلاصه تلاش برای حفظ غم و اندوه تا مدتها، بجای تلاش برای برگرداندن آرامش و از سرگیری زندگی در اسرع وقت برای بازماندگان، و آسوده کردن خیال فرد فوت شده برای ادامه مسیر روحانی خود، همگی یعنی ارزش بیشتر مرده، در رسوم عموم افراد ایران.

## لقمان: ۲۱

و چون به آنها گفته شود: آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید، گویند: [نه،] بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند شیطان آنها را به سوی عذاب شعله‌ور فرا خواند [باز هم از آنها پیروی می‌کنند]

## سباء: ۴۶

بگو: من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که: دو تا دو تا و یک یک برای خدا به پا خیزید، سپس تفکر کنید...

هو الاول، هو الآخر

۲۷ مرداد ۱۳۹۸